

نگاه

فرصت‌های بیرونی برای توسعه درونی مناطق آزاد



عبدالرسول خلیلی
استاد دانشگاه

- فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها، دارایی‌های مناطق آزاد تجاری صنعتی در کشور است. ارزیابی این سه، توانمندی‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مناطق را به‌خوبی در عرصه داخلی و خارجی برای جذب سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد.

با توجه به اهمیت افزایش صادرات تولیدی - خدماتی مناطق آزاد که در برنامه‌ها و احکام ابلاغی ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۶به میزان ۲۵ درصد اعلام شده است، لزوم ظرفیت‌سازی بهینه برای حدود هزارو ۱۶۷ واحد تولیدی صنعتی در مناطق آزاد، از طریق ارتقای سطح فناوری و به منظور تولید و صادرات بیشتر، بیش از پیش احساس می‌شود. به نظر می‌رسد سطوح فناوری مناطق درحال حاضر بیشتر در موج دوم قرار دارد و همین باعث شده افزایش تولید و صادرات، به منزله گسترش صادرات در سال ۹۶، با مشکلاتی همراه شود و این مسئله لزوم برنامه‌ریزی بهتر را برای شناسایی سطوح فناوری برتر در مناطق کشور، از طریق ایجاد واحدهای R&D در واحدهای تولیدی و صنعتی برای افزایش بهره‌وری و حضور رقابتی در بازارهای صادراتی، نشان می‌دهد. با توجه به بررسی‌ها، به نظر می‌رسد شناسایی سطوح فناوری این واحدها در مناطق آزاد برای ارتقا و کمک به آنها به‌طور جدی در مناطق کشور، از طریق پیشرفته موج سوم از اهمیت فراوانی برخوردار باشد که در حال حاضر میزان ۸۰ درصد صادرات دنیا در آن موج انجام می‌گیرد و بدیهی است بازارهای بیشتری دارد.

از سطوح چهارگانه فناوری می‌توان به (۱) استفاده از کارگران یدی و ابزار دستی؛ (۲) استفاده از تکنیسین‌ها و ماشین‌آلات مکانیکی؛ (۳) استفاده از دستگاه‌های الکترونیکی و IT؛ (۴) استفاده از دستگاه‌های هوشمند و فضای مجازی، اشاره کرد. این سطوح ارتقای کیفیت را ملازم کاهش قیمت تمام‌شده برای جذب و رقابت در بازار کالا و خدمات نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد، برای تقویت برنامه‌ها و احکام ابلاغی به دبیرخانه شورای‌عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، برای افزایش صادرات تولیدی خدماتی و صادرات مجدد، توسعه صنایع، از جمله صنایع بسته‌بندی در سال ۱۳۹۶، اجرائی‌شدن بخش چهارم بند ۱۱ سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی در زمینه تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج به طور مشخص با عزم و تلاش ملی، بیش از پیش احساس می‌شود؛ زیرا با جذب سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال فناوری پیشرفته برای ارتقای سطح فناوری و تولید، پردازش کالا و گسترش صادرات و اشتغال‌مسر می‌شود. شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان در تعامل با خارجی‌ها در محدوده واحدهای تحقیق و توسعه واحدهای تولیدی و صنعتی، به طور مستقل رشد پیدا می‌کنند.

برای انجام این مهم باید سطوح فناوری هر یک از واحدها را بر اساس معیارهای در نظر گرفته‌شده در مناطق آزاد به صورت میدانی ارزیابی کرد و چنین اقدامی البته مستلزم استفاده از فرصت‌های بیرونی برای توسعه درونی مناطق آزاد است. از جمله این فرصت‌ها برای انجام چنین کار مهمی، نوسازی زیرساخت‌های فناوری در واحدهای قدیمی و تأکید بر پیوستار فناوری پیشرفته برای مندم‌شدن در تولید بازارمحور موج سوم است. چنانچه این اتفاق نیفتد، مانند سال گذشته، شاید تزریق تسهیلات نیز نتواند این واحدها را از رکود خارج کند، به طوری که صرف ۱۵ هزار میلیارد تومان در سال ۹۵ نتوانست انتظار را چنان که باید برآورده کند. در این شرایط، جذب سرمایه‌گذاری خارجی که از اهم اهداف برجام بود، می‌توانست کشور و از جمله مناطق آزاد و ویژه را به نتیجه برساند، هرچند تاکنون به دلایلی بی‌سرنجام مانده است. این توقع البته حضور مدیرانی آموزش‌دیده با کلاس جهانی در مناطق آزاد و ویژه می‌طلبد که وظیفه اصلی خود را جذب سرمایه خارجی و داخلی بدانند تا تولید و اشتغال در وضعی عملکردا فرجام پیدا کند.

در این موقعیت، وظیفه دولت دوازدهم و انتخاب وزیر اقتصاد بیش از پیش نمایان می‌شود؛ شخصی که رویکرد دولت را از قاتل تورم به احیاگر بخش خصوصی و جذب سرمایه‌گذاری در کشور و مناطق آزاد و ویژه اقتصادی رهنمون شود. عقل و تدبیر این را می‌گوید تا ببینیم در معرفی‌کابینه برای وزارتخانه‌ای که وزیرش به استاندار تبصره ماده ۲۳ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مسئول اجرائی قوانین مرتبط با حوزه مناطق آزاد تجاری صنعتی و ویژه اقتصادی شده تا کلیه وظایف، اختیارات، ساختار و تشکیلات دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را با حفظ شخصیت حقوقی مستقل و رعایت ضوابط و مقررات مربوط انجام دهد، چه کار می‌کند!

ادامه از صفحه ۵

اینکه قرارداد برجام از منظر اقتصادی، نقاط ضعف قابل تأملی دارد، قابل انکار نیست. آن ضعف‌ها را هم می‌توان نتیجه دایره محدود «زردپیکان» دانست. می‌دانیم که در میان فعالان اقتصادی، از زمان دفاع مقدس، بودند نیروهایی که تجربیات ارزشمندی در مذاکرات اقتصادی و انعقاد قراردادهای خارجی، ناشی از شکست‌ها و تجربیات حاصله آنها در اجرا، به‌دست آورده و استفاده از آنها قطعاً بر توانایی تیم نمایندگی ما می‌افزود. با این همه و با وجود مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها، انتخاب تیم مذاکره‌کننده و دستاوردهای آن جای قدردانی دارد. بی‌تردید در ارتباط با کشورهای دیگر و بهره‌برداری از فرصت‌هایی که پدید می‌آید، می‌توان عملکرد بهتری داشت. البته به دلیل ساختار بیمار اقتصاد و ناکارآمدی بخش‌های صنعتی و تجاری کشور، ازجمله تعدد مراکز قدرت و عدم تصمیم‌گیری متمرکز در حوزه مسائل اقتصادی، بهره‌گیری از فرصت‌ها کار آسانی نیست. عدم بهره‌گیری مناسب از فرصت‌ها، ازجمله در جریان برهم‌خوردن رابطه ترکیه و روسیه با قطر و همسایگانش در خلیج‌فارس جدیدترین نمونه‌ها از دست‌رفتن فرصت‌هایی است که فراهم آمد، نشان از وجود ضعف‌های اساسی است، هرچند که فهرست فرصت‌هایی از این دست بسیار طولانی است. بنابراین همه ناگامی‌ها هم ارتباطی با برجام ندارند. پیامدهای توافق برجام برای بازیگران عرصه اقتصاد کشور متفاوت است و از همین زاویه نیز می‌توان و باید در ماهیت نقدهایی که درباره این توافق شنیده می‌شود، تأمل کرد. نگاهی به شرایط قبل از برجام و خسارت‌هایی که به کشور تحمیل شد، آموزنده است.

۱- گروه اول، مردان میدان اقتصادی، یعنی تولیدگرانی که تولیدات دارای عمق‌های تولیدی قابل قبولی داشتند، بیشتر از همه صدمه دیدند. این گروه، در نبود فرماندهانی در سنگرهای بتونی، بی‌پناه و بدون پشتیبانی از سوی دولت‌ها و قانون‌گذاران، به حال خود رها شدند و در گرداب فرو رفتند. آنها از جان و مال گذشته و آبروی خود را وثیقه گذاشتند تا میدان را خالی نکنند، اما بی‌مهری نهادهای سیاست‌گذاری و مدیریت اقتصادی، که متأسفانه هنوز هم ادامه دارد، تلاش آنها را بی‌ثمر می‌کرد.

۲- گروه دوم کسانی بودند که به برکت ساختار بیمار اقتصاد و روابط و امتیازاتی که از آن برخوردار بودند، از منابع بیت‌المال بهره می‌گرفتند (و هنوز هم می‌گیرند). در مورد این دسته می‌توان گفت که اگر هم‌چرا از هم آب برد، خواب راحتشان برهم نمی‌خورد و به منابعی که در دست‌شان است خدشه‌ای وارد نمی‌شود. این دسته نه پاسخ‌گوی هزینه‌های ناآطمینانی تصمیمات اتخاذ‌شده و تأثیرگذار در اقتصاد کلان هستند و نه این تصمیمات تأثیر چندانی بر منابع راننی آنها دارد.

۳- دسته سوم کسانی بودند که در شرایط تحریم و در فرسنگ‌ها دورتر از میدان عمل، از محدودیت‌های ناشی از تحریم نفع فراوان بردند و ثروت‌های کلان اندوختند. انتقادات این گروه، که به «کاسبان تحریم» شهرت یافته‌اند، بر برجام البته قابل درک است و در تمیز خواسته‌های این گروه نیز باید سادهانگاری را کنار گذاشت. ۴- کسانی هستند که نه در شرایط تحریم دغدغه‌های داشتند و نه اکنون که فضا آرام‌تر شده، نگرانند. آنها با استفاده از عبارات فریبنده و الفاظی خوشایند و ظاهراً منطقی، رهنمودهایی می‌دهند که نتیجه قطعی آنها ایجاد اشتغال برای خارجیان و پیامد احتمالی آنها قربانی‌شدن منافع ملی است. استدلال‌های آنها، که نوعاً با چاشنی افرای قماره‌اند، برای ذی‌نفعانی که منافع ملی را مدنظر ندارند، استاندارد زمینه‌سازی می‌کند. در تمیز ماهیت واقعی سخنان تشویق‌آمیز آنها نیز باید دقیق و مراقب بود.

خسارت‌های تحمیل‌شده به اقتصاد ایران در دوره یک‌صدساله اخیر، که با تأثیر از تبعات مُهلک قراردادهای گلستان و ترکمنچای آغاز شد، با تقسیم مناطق تحت نفوذ (بر اثر معاهده ۱۹۰۷ سن‌پترزبورگ فی‌مابین روسیه تزاری و انگلیس) تشدید شد. مطابق قرارداد ترکمنچای، ایران اجازه نداشت از کالاهای ساخته‌شده روسی حقوق گمرکی یا عوارض بیش از پنج درصد دریافت کند. به‌تدریج و پس از معاهده منڈور، انگلیس و سایر کشورها نیز خواستار این امتیاز شده و بنابراین دولت‌های متاخر قاجار سوای وطن‌فروشی از طریق وانهادن اقتصاد به قضاو قدر، با تشویق عادت خانمان‌برانداز مصرف‌گرایی نیز کشور را در عقب‌ماندگی گرفتار کردند و پس از کشف نفت، کشور با نفرین منابع و تعمیق بیشتر مصرف‌گرایی مواجه شد. اما عامل خطرناک دیگر، پیدایش «تاجرباشی‌ها» از سوی روسیه یا خانانی بود که به تابعیت روسیه درآمده و حتی در انقلاب مشروطه به آدم‌فروشی و معرفی انقلابیون پرداختند. همین قماش از «تاجرباشی‌ها» در نیمه جنوبی کشور نیز تحت نفوذ انگلیس پدید آمدند و چنین شد که مجموع این گروه دست به دست هم دادند و با تعریض و هموارسازی معابر ورود، استفاده از کالاهای خارجی را تسهیل کردند. این رویه نابودکننده، به جلوگیری از پیدایش و رشد صنایع واقعی و دارای قدرت انتشار دانش ضمنی منجر شد (صنایعی که نتیجه آن معالاً تعالی و اوج‌گیری ماریپج صنایع دارای فناوری‌های بالا می‌بود). برعکس، با عدم آگاهی عموم متولیان بخش‌های صنعتی - اگر نه همه آنها - و اغراق‌گویی بدون محتوای طرفداران سیاست «ره‌های باز»، صنایعی پدید آمدند و با گرفتند که غالب آنها دارای وابستگی عمیق به خارج هستند. در تحریم‌های دمه اخیر نیز درواقع همین دُمَل سر‌باز کرد و کشور را در تگلانی مهلک قرار داد. همه اینها مداوم حضور احتمالی آن‌گونه «تاجرباشی‌ها» را در ذهن متبادر

اقتصاد

مبالغه‌گویی در اقتصاد را متوقف کنیم

